

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

iddle

پوتین به ایران جنگنده نمی‌دهد

در تهران، نارضایتی از سطح حمایت مسکو رو به افزایش است، به‌ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل. اهمیت تهران برای روسیه در حال کاهش است، و این امر موجب نگرانی ایران از یک «معامله سیاسی» به زیان خود شده است. با این حال، انزوای بین‌المللی تهران فضای مانور آن را محدود می‌کند. اواخر اوت، خبری جنجالی درباره مسکو در رسانه‌های ایران منتشر شد. محمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و معاون پیشین وزیر خارجه ایران، در مصاحبه‌ای روسیه را به کمک به اسرائیل متهم کرد. صدر دو گلایه اصلی مطرح کرد. نخست، او مشکوک بود که چگونه در طول «جنگ ۱۲ روزه» اخیر و درگیری‌های پیشین، اسرائیل اطلاعات دقیقی از سامانه‌های پدافند هوایی ایران در اختیار داشت. او گفت: «براساس تحلیل و اطلاعاتم می‌توانم بگویم که روس‌ها این اطلاعات را در اختیار اسرائیل گذاشتند.» دوم، صدر خاطرنشان کرد که روسیه سامانه‌های تسلیحاتی پیشرفته‌ای را که ایران درخواست کرده بود، تحویل نداده است، به‌ویژه جنگنده‌های سوخو-۳۵. در اوایل ۲۰۲۳، ایران اعلام کرد توافق‌هایی برای تحویل دو اسکادران ۲۴ فروند وجود دارد. بعدها گزارش‌ها حاکی از احتمال تحویل تا ۵۰ فروند جنگنده بود. با این حال، ایران تنها تعدادی هواپیمای آموزشی یک-۱۳۰ دریافت کرده و طبق برخی منابع، بیش از چهار فروند سوخو-۳۵ تحویل نگرفته است. صدر همچنین یادآور شد که در سال ۲۰۱۹، مسکوسامانه‌پدافند هوایی اس-۴۰۰ را به ترکیه فروخت، اما از فروش مشابه آن به ایران خودداری کرده است. صدر نتیجه گرفت که پیمان به‌اصطلاح راهبردی ایران و روسیه که در ژانویه ۲۰۲۵ امضا شد، «چیزی بیش از یک فریبکاری نیست». اظهارات صدر احساسات عمومی را برانگیخت و بدبینی‌های دیرینه ضدروسی در ایران را دوباره زنده کرد. اما واکنش رسانه‌های داخلی دوگانه بود. روزنامه محافظه‌کار «کیهان» صدر را محکوم کرد و گفت سخنان او «به امنیت ملی و سیاست خارجی ایران آسیب می‌زند» و او را به «اظهارات دروغین و تحریک‌آمیز» متهم کرد. در مقابل، رسانه‌های اصلاح‌طلب، کیهان را به «حمایت بی‌قید و شرط از روسیه» مورد انتقاد قرار دادند. مقام‌ها نیز واکنش نشان دادند. وزارت خارجه ایران گفت که سخنان صدر «نظر شخصی و بدون مدرک» بوده و بازتاب‌دهنده موضع رسمی تهران نیست. دادستان تهران پرونده‌ای علیه یکی از اعضای مجمع تشخیص به اتهام «اظهارات دروغین و بی‌اساس» گشود، هرچند نام صدر به‌صراحت ذکر نشد. روسیه هم واکنش نشان داد. وزارت خارجه روسیه اتهامات صدر را رد کرد و آن را بخشی از یک «کمپین هماهنگ اطلاعات‌نادرست توسط نیروهای خصمانه با روسیه و ایران» خواند. دیپلمات‌های روسی بیانیه خود را با تصویر صدر در وب‌سایت بی‌بی‌سی فارسی همراه با برچسب‌رنگی «FAKE» منتشر کردند. استفاده از روسیه به‌عنوان سپر بلا، تاکتیکی آشنا در میان مقام‌های ایرانی است. به‌عنوان نمونه، محمدجواد ظریف، سیاستمدار برجسته ایرانی و وزیر خارجه پیشین در دولت حسن روحانی، آشکارا همکاری با مسکو حمایت‌می‌کرد و گفته می‌شد روابط خوبی با سرگئی لاوروف برقرار کرده است. اما در پایان دولت روحانی، زمانی که جناح اصلاح‌طلب زیر انتقادات شدید قرار داشت، ظریف به‌طور غیرمنتظره ادعا کرد که روسیه همواره مانع تلاش‌های تهران برای بهبود روابط با غرب بوده است. مقام‌های نظامی ایران نیز در ژانویه ۲۰۲۵ تاکتیکی مشابه به کار گرفتند. سردار بهروز اسباطی مسکو را مقصر سقوط حکومت بشار اسد دانست. او مدعی شد روسیه ایران را فریب داده و گفته بود نیروهای ضددولتی سوریه را بمباران می‌کند، در حالی که در واقع مناطق خالی را هدف قرار می‌داده است. به احتمال زیاد این اظهارات تلاشی از سوی نخبگان ایرانی برای انداختن تقصیر یک شکست دیگر بود؛ از دست دادن متحدی کلیدی در خاورمیانه که تهران سال‌ها روی آن سرمایه‌گذاری کرده بود. بررسی میزان اعتبار این ادعاها دشوار است. اعتراف ظریف باورپذیر به نظر می‌رسد، در حالی که سخنان صدر و اسباطی پرسش‌های بیشتری برمی‌انگیزد. اما الگوی تکراری این رفتار عمومی به‌خودی خود مهم است. تصویر روسیه در ایران آن قدر منفی است که حتی سیاستمداران نیز زمانی که «مصلحت سیاسی» چنین ایجاب کند، کرملین را برای شکست‌های خود مقصر معرفی می‌کنند. این نگاه منفی ریشه در تاریخ دارد و جهان‌بینی ایران را شکل داده است: از الحاق آذربایجان به روسیه در اوایل قرن نوزدهم، تا حمله بریگاد قراق به مجلس اول مشروطه، تا اشغال ایران توسط انگلیس و شوروی در جنگ جهانی دوم، و سایر خاطرات تاریخی. به‌رغم ادعاهای شراکت، روسیه نه‌تنها این روند را معکوس نکرده، بلکه آن را تشدید کرده است.

دیپلماسی

DIPLOMACY



نگاه هم‌میهن



عکس: AFP

قمار نتانیا‌هو

اشغال غزه تا چه اندازه می‌تواند مشکلات جدی برای کابینه اسرائیل ایجاد کند؟

▼ درس‌های اشغال غزه

اسرائیل از سال ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۵ نوار غزه را در اشغال خود داشت. در طول این مدت، این منطقه دو انتفاضه بزرگ را پشت سر گذاشت. از سوی دیگر فعالیت حماس در مبارزه با اشغال دوچندان شد و این مبارزات به مرگ سربازان اسرائیلی منجر شد. در این مدت، تعداد انگشت‌شماری از شهرک‌های اسرائیلی نیز در داخل غزه ایجاد شد. با این حال، با افزایش جمعیت فلسطینیان در نوار غزه در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، دولت آریل شارون، نخست‌وزیر وقت، تصمیم گرفت به‌طور یکجانبه از غزه عقب‌نشینی کند تا مسئولیت‌های امنیتی و اقتصادی اسرائیل در ادامه کنترل بر این منطقه محصور را محدود کند. بسیاری از اسرائیلی‌ها از زمان خروج نیروهای ارتش اسرائیل از غزه در سال ۲۰۰۵، به‌رغم درگیری‌های مداوم با حماس، تمایلی به تلاش برای کنترل نوار غزه نداشته‌اند. با این وجود، جناح راست افراطی اسرائیل که حمایت سیاسی لازم برای ائتلاف نتانیا‌هو را فراهم می‌کند، نوار غزه را به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از مفهوم اسرائیل بزرگ، که شامل تمام قلمرو تحت قیمومیت سابق فلسطین می‌شود، می‌بیند.

▼ برنامه اسرائیل

اسرائیل برای کاهش هزینه‌های اقتصادی و نظامی، احتمالاً مجبور خواهد شد فقط بخشی از طرح اشغال مجدد غزه را اجرا کند و این اقدام اجازه خواهد داد خلأهای امنیتی ادامه یافته و شرایط انسانی در بحبوحه فقدان مداوم یک حکومت پایدار در غزه، بدتر شود. برای اشغال کامل غزه و کنترل تقریباً دو میلیون فلسطینی که هنوز در آنجا زندگی می‌کنند، اسرائیل باید ده‌ها هزار سرباز را برای اجرای عملیات ضدشورش نامحدود با حماس و جهاد اسلامی فلسطین به این منطقه محاصره‌شده اعزام کند. علاوه بر این، اسرائیل مسئول ده‌ها میلیارد دلار سرمایه مورد نیاز برای بازسازی غزه و بازسازی زیرساخت‌های غیرنظامی پس از تقریباً دو سال درگیری خواهد بود. طبق عرف و قوانین بین‌المللی، نیروی اشغال‌گر مسئولیت بازسازی منطقه تحت اشغال را برعهده خواهد داشت. برای کاهش این هزینه‌ها، دولت نتانیا‌هو، که به‌طور سنتی در استقرار منابع نظامی و اقتصادی برای دوره‌های پایدار محافظه‌کار است، ممکن است بدون اختصاص منابع لازم، اجازه اشغال کامل را بدهد. این استراتژی ممکن است شامل چرخش لشکرهای نظامی به میدان نبرد باشد و واحدهای پشتیبانی جاده‌های کلیدی، گذرگاه‌های مرزی و مناطق پرجمعیت را کنترل کنند. هدف ارتش اسرائیل این خواهد بود که جمعیت غیرنظامی فلسطینی را بیشتر در مناطقی خارج از کنترل نیروهای دفاعی اسرائیل محصور کند و از تلاش‌ها برای ادغام نیروهای نظامی اسرائیل در ساختار امنیتی غیرنظامی غزه جلوگیری کند (برخلاف کرانه باختری که نیروهای دفاعی اسرائیل بیشتر به‌گشت‌زنی و ایجاد پایگاه در مناطق غیرنظامی می‌پردازند). اسرائیل همچنین احتمالاً تلاش‌های بین‌المللی برای بازسازی در غزه را به تأخیر خواهد انداخت.

این بدان معناست که حتی اگر غزه تحت اشغال کامل

هنوز مشخص نیست که ارتش اسرائیل برای کنترل غزه به چه تعداد نیرو نیاز دارد. اما استاندارد ارتش ایالات متحده این است که از نسبت ۲۰ تا ۲۵ سرباز به ازای هر ۱۰۰۰ غیرنظامی در یک منطقه عملیاتی مشخص برای مقابله با شورش استفاده کند. این استاندارد نشان می‌دهد ارتش اسرائیل ممکن است برای کنترل جمعیت غیرنظامی غزه به ۴۰ تا ۵۰ هزار سرباز نیاز داشته باشد

آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل



کابینه بنیامین نتانیا‌هو، کار خود را برای اشغال مجدد غزه آغاز کرده است. اشغال مجدد غزه پرهزینه خواهد بود؛ این اقدام واکنش‌های داخلی را برمی‌انگیزد و انزوای دیپلماتیک اسرائیل را تشدید خواهد کرد. علاوه بر این، اشغال غزه و تبعات آن، تأثیرات عمیقی بر دینامیک‌های سیاست داخلی اسرائیل خواهد داشت. اسرائیل در نیمه نخست سال ۲۰۲۶ انتخابات سراسری را برگزار خواهد کرد. اگر فرض کنیم که پس از این انتخابات دولتی جدید در اسرائیل بر روی کار خواهد آمد که احتمالش بسیار زیاد است، آنگاه دولت جدید اسرائیل مجبور خواهد بود که استراتژی اشغال غزه را مدیریت کند و این کار برایش به شدت دشوار خواهد بود. در ۱۵ اگوست، رسانه‌های اسرائیل گزارش دادند که دولت بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر، در حال آماده شدن برای تصویب طرح‌هایی جهت اشغال مجدد کامل نوار غزه است و کنترل تقریباً ۲۵ درصد از سرزمینی را که ارتش اسرائیل در جریان جنگ تقریباً دو ساله علیه حماس هنوز فتح نکرده است، به دست می‌گیرد. این گزارش‌ها حاکی از آن است که نتانیا‌هو از مذاکرات آتش‌بس با گروه شبه‌نظامی فلسطینی دست کشیده و معتقد است که اشغال مجدد نظامی کامل برای پایان دادن به درگیری ضروری است، حتی اگر جان تقریباً ۲۰ گروگان اسرائیلی را که گمان می‌رود هنوز در غزه هستند، به خطر بیندازد. این خبر به سرعت انتقاد یائیر لاپید، رهبر مخالفان اسرائیل و نخست‌وزیر سابق را برانگیخت. لاپید هشدار داد اشغال کامل غزه پرهزینه خواهد بود و منجر به تلفات قابل توجهی از اسرائیلی‌ها می‌شود. کابینه بنیامین نتانیا‌هو از زمان آغاز جنگ در اکتبر ۲۰۲۳، عمداً در مورد برنامه‌های بلندمدت خود برای غزه، تا حدی ابهام استراتژیک را حفظ کرده است. اهداف اسمی کابینه نتانیا‌هو، بازگرداندن گروگان‌ها و نابودی حماس است، اما نتانیا‌هو به طور خاص در مورد سیاست‌هایش جهت دستیابی به این اهداف، به غیر از فشار نظامی نامحدود و مذاکرات آتش‌بس، سکوت کرده است. با توجه به تغییر سیاست کابینه نتانیا‌هو به سمت اشغال مجدد، اسرائیل قبل از اجرای این طرح نیروهای خود را در نوار غزه کاهش داد تا به آنها اجازه دهد دوباره تجهیز و آموزش ببینند.

خستگی قابل توجه از جنگ، بر نیروهای دفاعی اسرائیل سایه افکنده است. آمار خودکشی در میان نیروهای ذخیره و کهنه سربازان جنگی افزایش یافته و نیروهای ذخیره به‌طور فزاینده‌ای از پیروی از دستورات فراخوان به خدمت خودداری کرده‌اند.

ارتش اسرائیل، از جمله رئیس آن، ایال زمیر نیز عمدتاً به دلایل امنیتی با اشغال مجدد غزه مخالف است. زیرا ارتش اسرائیل همچنان در تنگنا قرار دارد. اسرائیل همچنان به اشغال سرزمین‌هایی در جنوب لبنان و جنوب سوریه ادامه می‌دهد و به دلیل جنگ اخیر با ایران و احتمال وخامت بیشتر شرایط امنیتی در کرانه باختری، وضعیت آماده‌باش بالایی را حفظ کرده است.